

به نام خدا



وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری

پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

خلاصه گزارش طرح پژوهشی

عنوان طرح پژوهشی

بررسی روند پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات در ایران

۱۳۹۷/۴/۱۱

تاریخ پایان طرح پژوهشی

۱۳۹۰/۹/۷

تاریخ شروع طرح پژوهشی

سیروس علیدوستی

نام و نام خانوادگی مجری طرح پژوهشی

-

نام و نام خانوادگی همکاران طرح پژوهشی

درباره طرح پژوهشی

تا دهه ۱۹۹۰ ناکامی در سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات نسبت به کامیابی در آن، بیشتر بود. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، شواهدی از بازده مثبت در سرمایه گذاری های انجام شده در این زمینه دیده شد و پرسش «آیا سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات دارای بازدهی است؟» به پرسش «چرا و چه هنگام، سرمایه گذاری در فناوری اطلاعات می تواند بازدهی داشته باشد؟» تبدیل شد. پژوهش ها نشان می دهند که بافت یا زمینه کاربرد فناوری اطلاعات در نوع عوامل مؤثر بر کامیابی و شکست آن نقش بسیاری دارد. در ایران نیز پژوهش های بسیاری در این زمینه شده است. این پژوهش ها در بافت ها، در لایه ها، با کاربرد نظریه ها و مدل ها، و با روش های گوناگون انجام شدند. ولی شناخت سیستماتیک و کل نگرانه ای از آنها نبود. بنابراین نمی شد جمع بندی درستی از یافته های آنها داشت و بنیانی هم برای گسترش و توسعه پژوهش در این زمینه نبود. از این رو، روند و وضع موجود پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات در بافت ایران بررسی و تحلیل شد.

روش پژوهش

این پژوهش در چهار گام انجام شد. نخست چارچوب بازنمایی روند پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات در ایران طراحی شد. این چارچوب به تبیین پژوهش ها از دیدگاه هایی مانند روش شناسی،

نظریه، روش، قلمرو، جامعه، نمونه، ابزار، و یافته‌ها می‌پرداخت. در گام دوم، جست‌وجو و گردآوری پژوهش‌ها در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات در ایران تا پایان سال ۱۳۹۰ خورشیدی و ۲۰۱۱ میلادی انجام شد. استخراج اطلاعات از هر یک از منابع دارای یافته‌هایی در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات در ایران در چارچوب طراحی شده گام بعد بود در پایان نیز ترکیب و تحلیل روند پژوهش در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش و کاربرد فناوری اطلاعات در ایران و تبیین عوامل یافت شده در این پژوهش‌ها انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش، کیفی بود و از فرایند قیاس و طرح تدریجی (دسته‌بندی هنگام مطالعه) پیروی می‌کرد. این رویکرد برای توضیح یک پدیده یا توصیف الگوهای تازه‌ای به کار می‌رود که در داده‌ها یافت می‌شوند. در این رویکرد، تأکید بر کیفیت و عمق داده‌هاست، بنابراین داده‌هایی که گردآوری می‌شوند، کیفی هستند و برای «ساخت» مفاهیم، مدل‌ها، و چارچوب‌ها به کار می‌روند. چارچوب تحلیل و بازنمایی وضع موجود پژوهش با کاربرد نوشتجات دارای موضوع و هدف‌های همانند این پژوهش طراحی و از دیدگاه متخصصان اعتباریابی شد. روش کتابخانه‌ای برای گام‌های دوم و سوم پژوهش به کار رفت. پوشش منابع در این پژوهش پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها، و مقاله‌های فارسی و انگلیسی (نشریه و همایش) بود. تنها از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های در دسترس با متن کامل در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران و پایگاه‌های اطلاعاتی تمام‌متن در دسترس در این پژوهشگاه و دانشگاه تهران و منابع رایگان در محیط وب بهره‌برداری گردید. در پایان نیز داده‌های منابع در کنار هم با مرتب‌سازی، دسته‌بندی، و مرتبط‌سازی؛ تحلیل و در الگوهای جدید و یک‌پارچه شکل داده شد.

یافته‌های طرح پژوهشی

۱۸۶ مقاله نشریه، ۹۵ مقاله همایش، و ۴۲۶ پایان‌نامه / رساله در قلمرو زمانی پژوهش یافت شد که مقاله‌های همایش داده‌های اندکی برای بررسی داشتند و تمام‌متن پایان‌نامه و رساله‌ها نیز در اختیار پژوهشگر گذارده نشد. بنابراین کار تحلیل روی ۱۰۲ مقاله نشریه انجام شد که در قلمرو موضوعی پژوهش داده‌هایی در بر داشتند. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مقاله‌ها به زبان فارسی و در گستره‌ای از ۳۹ موضوع پراکنده بوده و بیشترین پژوهش‌ها در بانکداری الکترونیکی انجام شده‌اند. هیچ یک از پژوهش‌ها بنیادی نبوده‌اند و بیشتر آنها از رویکردهای کمی و روش پیمایش بهره برده‌اند. بیشتر پژوهش‌ها در تهران و به دست اعضای دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، و دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شده‌اند. روند مشارکت پدیدآوران رو به رشد بود، ولی مشارکت پایداری میان سازمان‌ها دیده نشد.

روی هم رفته ۵۲۶ عامل شکست کاربرد فناوری اطلاعات از پژوهش‌های پیشین به دست آمد که در ۴۳ دسته بودند. ناآشنایی یا آشنایی ناکافی با فناوری اطلاعات، آموزش ناکافی یا نبود آموزش کاربران، نبود یا کمبود دسترس‌پذیری، نبود یا کمبود زیرساخت فنی، نبود یا کمبود زیرساخت حقوقی، نبود یا کمبود زیرساخت مالی،

نداشتن گرایش به کاربرد فناوری اطلاعات، سازمان‌دهی نامناسب، نبود برنامه‌ریزی، نبود منابع انسانی آموزش‌دیده و کارآزموده، نگرش منفی به فناوری اطلاعات، نبود فرهنگ مناسب، مقاومت در برابر تغییر، و بالا بودن هزینه فناوری اطلاعات از دسته‌هایی بودند که از ۱۵ عامل بیشتر داشتند.

روی هم‌رفته ۶۱۹ عامل موفقیت کاربردی فناوری اطلاعات نیز از پژوهش‌های پیشین به دست آمد که در ۵۴ دسته بودند. آشنایی و مهارت کار با فناوری اطلاعات، آموزش کاربران، اطمینان، امنیت، آسانی استفاده از فناوری اطلاعات، سودمندی کاربرد فناوری اطلاعات، سازمان‌دهی، گسترش کاربرد فناوری اطلاعات، پشتیبانی و تعهد سازمانی و مدیریتی، دسترسی، زیرساخت فنی، زیرساخت حقوقی و قانونی، کیفیت، فرهنگ و توان مدیریت تغییر، مزیت نسبی فناوری اطلاعات، نگرش مثبت به کاربرد فناوری اطلاعات، و منابع انسانی آموزش‌دیده و کارآزموده از دسته‌هایی بودند که از ۱۵ عامل بیشتر داشتند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌ها نشان می‌دهند که پژوهشگران ایرانی به ویژه در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به بررسی عوامل مؤثر بر کاربرد فناوری اطلاعات در ایران پرداخته و به بافت‌محور بودن موفقیت و شکست کاربرد این فناوری پاسخ گفته‌اند. روند شمار این پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که با گسترش این فناوری، شمار پژوهش‌ها نیز فزونی یافته است. یافته‌ها، هر چند بیشتر بر پایه پژوهش‌های کمی بوده‌اند، ولی به عوامل موفقیت و شکست بسیاری اشاره دارند که توجه به آنها می‌تواند سرمایه‌گذاری در این زمینه را بهره‌ورتر سازد.

از آنجایی که فناوری اطلاعات به بافت، پیوند بسیاری دارد، به پژوهش‌هایی با رویکردهای کیفی و ترکیبی بیشتری نیاز است تا یافته‌های بهتری به دست آید. مقاله‌های بررسی شده، پژوهش‌های بنیادی را در این زمینه در ایران نشان نمی‌دهند و این کمبود نظریه در ایران را آشکار می‌سازد. ناراستایی میان شما مقاله‌ها و شمار پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نشان می‌دهد که دستاوردهای پژوهش‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی کمتر منتشر می‌شوند. از سویی نیز دسترسی به تمام متن پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها اندک است که یافته‌های آنها را پنهان و دور از کاربرد می‌سازد.

پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آینده، نخست رویکردهای کیفی و ترکیبی را در این زمینه به کار برند. دوم از پراکندگی در نام‌گذاری عوامل پرهیز کنند. سوم در کشور برای هر یک از عوامل، یک تعریف فراگیر ارائه شود و همه پژوهشگران از آن پیروی کنند تا دستاوردهای آنان هم‌راستا شود. گسترش پژوهش‌ها در گستره جغرافیایی از یک سو و گستره سازمانی از سوی دیگر می‌تواند به استواری یافته‌ها و نزدیک شدن به نظریه‌هایی در لایه‌های پایین کمک کند.